

**توقف در ایستگاه پالرمو**
ایران از لیست سیاه خارج نشد**پایان مأموریت گروسی**
نامه مشترک ایران، چین و روسیه**در امتداد بیهقی**
محمود دولت‌آبادی از ابراهیم گلستان گفت**زنگ خطر جدی**
عواقب کاهش نرخ تولد در ایران

متهم آزاد شد

پژمان جمشیدی، بازیگر سینما که با شکایت خصوصی در بازداشت بود، با تبدیل قرار به وثیقه، آزاد شد
سازندگی در گفت‌وگو با کامبیز نوروزی و صالح نقره‌کار به این موضوع پرداخته است که
آیا سلبریتی‌ها حریم امن دارند یا نه؟

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



پژمان جمشیدی با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد؛ خبری که عصر شنبه به نقل از وکیل مدافع او منتشر شد. او چند روزی به اتهام سنگین «تجاوز به عنف» در بازداشت به سر برده بود. اتهامی که هنوز اثبات نشده است. چندی پیش دختری حدوداً ۲۰ ساله با مراجعه به پلیس از پژمان جمشیدی شکایت کرد. وی مدعی شده بود که مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته است. با طرح این شکایت، پرونده در دستگاه قضایی به جریان افتاد. جمشیدی ابتدا با قرار وثیقه آزاد بود اما پس از مواجهه حضوری با شاکی در ۲۸ مهر ماه، قاضی قرار وثیقه او را به بازداشت موقت تبدیل کرد و وی از ۲۹ مهر روانه زندان قزل حصار شد. وکلای جمشیدی با اعتراض به تصمیم بازداشت، درخواست بررسی فوری در دادگاه تجدیدنظر دادند. مامک جمشیدی خواهر پژمان در

اینستاگرام اعلام کرد هنوز هیچ اتهامی ثابت نشده و نباید پیش از رأی دادگاه، آبروی افراد خدشه‌دار شود. نگار فرهمند، همسر سابق جمشیدی نیز پستی کتابه‌آمیز منتشر کرد و نوشت: «زمان همه چیز را مشخص خواهد کرد». بسیاری از همکاران هنری و ورزشی

نیز خواستار پرهیز از قضاوت عجولانه شدند. امین‌رضا چلیپانلو - تهیه‌کننده یکی از فیلم‌های او - با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد هنوز هیچ اتهامی علیه جمشیدی اثبات نشده است. هنرمندانی مانند بیژن بنفشه‌خواه و نعیمه نظام‌دوست نیز با باز نشر این پیام بر لزوم احترام

به روند قانونی تأکید کردند. نبوشا ضیغمی ابراز خوشحالی برخی افراد از این خبر را رفتاری غیرانسانی خواند و فرزند حسنی نیز هشدار داد نباید با آبروی افراد بازی کرد. اما برخی فعالان حقوق زنان و روزنامه‌نگاران هشدار دادند که نباید به خاطر شهرت یا رفاقت، جانب متهم گرفته شود و صدای قربانی نشنیده شود. همزمان افکار عمومی نیز به دو دسته تقسیم شد، گروهی احتمال انگیزه اخاذی از سوی شاکی را مطرح کردند؛ در مقابل، عده‌ای دیگر معتقد بودند که بازداشت یک چهره مشهور بدون دلایل متقن صورت نمی‌گیرد و باید از شاکی حمایت کرد. سرانجام دادگاه تجدیدنظر تهران قرار بازداشت موقت پژمان جمشیدی را نقض و به وثیقه تبدیل کرد. پس از تودیع وثیقه، او از زندان آزاد شد و رسیدگی قضایی به اتهاماتش ادامه دارد. سازندگی در گفت‌وگو با دو حقوقدان به این پرسش‌ها می‌پردازد که رسانه‌ها و افکار عمومی در مواجهه با چنین پرونده‌هایی چگونه باید رفتار کنند؟

ادامه در صفحه ۷



عکس: الهه کریمی

توصیه سیدمحمد خاتمی به پزشک‌یان:

مقتدر باشید

ما چند دولت باید در این کشور داشته باشیم؟ هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد



یادداشت روز

اهمیت آمار

آمار، وجدان توسعه است
و اجازه نمی‌دهد خطا پنهان بماند

روح‌الله اسلامیدانشیار علوم سیاسی
دانشگاه فردوسی مشهد

مسائل امروز جامعه ایران - از بیکاری و فقر تا بحران آب و مهاجرت نخبگان - دیده‌هایی پیچیده و چندعاملی‌اند که بدون زبان عدد و مدل‌های تحلیلی قابل فهم نیستند. با این حال بخش مهمی از سیاست‌گذاری در ایران همچنان متکی به حدس، سلیقه فردی و روایت‌های توصیفی است و نتیجه، چیزی جز سیاست‌های پرهزینه و کم بازده نبوده است. حکمرانی مدرن بر پایه داده‌های معتبر، تحلیل‌های آماری و ارزیابی پیامدها استوار است. نبود این بنیان همان خلأیی است که به «بحران دانایی» در مدیریت عمومی کشور تبدیل شده: تصمیم‌گیری در شرایط ابهام، عدم یادگیری نهادی و تکرار اشتباهات گذشته و نقطه آغاز اصلاح این بحران، پذیرش این حقیقت بنیادین است: علم حکمرانی بدون آمار و ریاضیات، علمی ناقص است. در بخش قابل توجهی از تاریخ فکری معاصر ایران، ذهنیت ضد ریاضی و ضد دانش تجربی تقویت شد. این روند بیش از آنکه زائیده مباحث بومی باشد، ناشی از دریافت ناقص فلسفه‌های غربی بود. روایت‌های ایدئولوژیک از مارکسیسم، ریاضیات را ابزار طبقه بورژوا معرفی و آن را با سودمحوری سرمایه‌داری هم‌معنا کردند. پدیدارشناسی هایدگری نیز با ستایش زیستن اصیل و نقد تکنیک، نوعی بی‌اعتمادی نسبت به علم دقیق برانگیخت. در ادامه، خوانش ایرانی از فوکو، پوپر و لاکاتوش به «مرگ اثبات‌گرایی» تعبیر شد، بی‌آنکه اهمیت سنجش‌پذیری و روش تجربی در علوم اجتماعی فهم شود. بدین ترتیب مباحث فلسفی حاشیه‌ای در غرب به متن دانشگاه ایرانی آمدند و به تدریج هر رویکرد کمی «ایزاری» و «ایدئولوژیک» خوانده شد. در نتیجه به جای گسترش زیرساخت‌های آمارگیری، آزمایشگاه‌های تخصصی و مراکز تحلیل داده، شیوه‌ای از دانش‌ورزی در ایران رواج یافت که بر گفتارهای کلی و استعاری تأکید داشت. اندیشکده، آینده‌پژوهی و حتی هوش مصنوعی بیش از آنکه تولید محتوا و مدل کنند به تولید «زبان علمی» بسنده کردند. این یعنی ظاهرسازی علمی به جای روش علمی. زمانی که سیاست‌گذار به جای شاخص، استعاره می‌شنود؛ و به جای عدد، هشدارهای بی‌بشواته؛ طبیعتاً سیاست‌ها به سمت خطای ساختاری می‌روند. بنابراین حذف آمار نه صرفاً یک مشکل روش‌شناختی بلکه مساله‌ای اخلاقی است؛ چون مانع پاسخگویی و عدالت می‌شود. هر سیاست‌گذاری پایدار نیازمند حافظه است. دانستن اینکه چه کرده‌ایم، چه نتیجه گرفته‌ایم و چرا اشتباه کرده‌ایم، آمار این حافظه را می‌سازد. داده‌های دقیق، روندها را آشکار می‌کنند و زمینه مقایسه را فراهم می‌سازند. بدون آمار، سیاست موفق از ناموفق قابل تشخیص نیست، فساد بی‌ریا می‌ماند، توزیع منابع بر پایه لابی و سلیقه پیش رفته و مطالبه‌گری و پاسخگویی از بین می‌رود. به بیان دیگر، آمار وجدان توسعه است؛ وجدان یعنی آنچه اجازه نمی‌دهد، خطا پنهان بماند. آمار رنج و شادی مردم را عددی می‌کند و این عددی شدن نه بی‌روح کردن انسان بلکه دیده شدن اوست. فقر وقتی شاخص شود، شرمندگی‌اش از قربانی به سیاست‌گذار منتقل می‌شود. اگر آمار، واقعیت را روایت می‌کند، ریاضیات امکان ساختن آینده را می‌دهد. مدل‌سازی، سیاست‌گذار را قادر می‌سازد قبل از اجرا، پیامدها را در سناریوهای محاسباتی بیازماید. هر اشتباهی که در مدل کشف شود، هزینه‌اش هزاران برابر کمتر از اشتباه میدانی است. بنابراین برای اصلاح چرخه سیاست‌گذاری باید عقلانیت کمی در سه سطح نهادی، نهادینه شود: دانشگاه باید به جای تکرار نظریه‌های کلی بر آموزش حل مساله و مهارت مدل‌سازی تمرکز کند (اصلاح نظام تولید دانش). ادغام بانک‌های داده، شفافیت اطلاعات و ارزیابی پیامدی باید الزام قانونی شود (پاسخگویی عددی دولت). شاخص‌های عملکردی برای همه سیاست‌ها تعریف شود و تخصیص منابع منوط به تحقق اهداف شود (پاسخگویی عددی دولت). این سه سطح همدیگر را تقویت می‌کنند و به‌صورت هم‌پیوند، «اصلاح ساختار دانایی» را رقم می‌زنند. ریاضی‌زدایی از حکمرانی عملاً انسان‌زدایی از سیاست است. در مقابل، آمار و ریاضیات با مرئی کردن رنج‌ها و شادی‌ها، سیاست را پاسخگو و اخلاقی می‌کنند. عدد، مسئولیت ایجاد می‌کند و مدل، تصمیم را عقلانی می‌سازد. از همین رو، دفاع از ریاضیات، دفاع از عدالت، شفافیت و آینده‌نگری است و نقد رویکردهای ضد ریاضی، نقد ساختارهای ناکارآمد و رانت‌محور. اگر ایران می‌خواهد در جهانی رقابتی زنده و موفق بماند، چاره‌ای ندارد جز آنکه به زبان عدد سخن بگوید و نخست دانایی را قابل اندازه‌گیری کند.



رهنمود

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران
کنگره بین‌المللی میزبانی تأکید کردند:

فقیه‌ی برجسته
با اندیشه‌ای منسجم



دست‌اندرکاران برگزاری گردهمایی بین‌المللی بزرگداشت آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، علامه نائینی را از استوانه‌های رفیع علمی و معنوی حوزه کهن نجف خواندند و در بیان ابعاد شخصیتی ایشان گفتند: از جنبه تخصصی، خصوصیت برجسته مرحوم نائینی، شاکله‌سازی در علم اصول بر مبنای نظم فکری و علمی و نوآوری‌های قوی و پر تعداد ایشان است. رهبر انقلاب، تربیت شاگردان برجسته را از دیگر ویژگی‌های علامه نائینی برشمردند و خاطر‌نشان کردند: خصوصیت برجسته دیگر که ایشان را در بین مراجع به شخصیتی استثنایی تبدیل می‌کند، برخورداری از اندیشه سیاسی است که در کتاب ارزشمند و مهجور «تبیۀ الأئمة» انعکاس یافته است.

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه میرزا نائینی دارای ویژگی استثنایی و منحصر‌به‌فردی است که در میان مراجع معاصر و حتی گذشتگان کمتر نظیر دارد و آن داشتن اندیشه سیاسی منسجم است- نه صرفاً گرایش یا علاقه به سیاست- اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ولایت در مقابل استبداد را از ارکان اندیشه سیاسی علامه نائینی خواندند و افزودند: بر اساس اندیشه سیاسی مرحوم نائینی، حکومت و همه مسئولان آن باید تحت نظارت ملی و پاسخگو باشند که لازمه آن تشکیل مجلس مبعوثان با برگزاری انتخابات به منظور نظارت و قانون‌گذاری است و اعتبار قوانین این مجلس نیز منوط به تأیید فقها و علمای برجسته دینی است.

ایشان چارچوب مورد نظر علامه نائینی یعنی تشکیل حکومتی اسلامی و مردمی را به تعبیر امروزی همان جمهوری اسلامی خواندند و تصریح کردند که علامه نائینی، حکومتی را به عنوان اندیشه سیاسی ترسیم می‌کند که حکومت و قدرت است، منبعث از مردم است و مردم آن را انتخاب می‌کنند و منطبق بر احکام و مفاهیم دینی است؛ یعنی یک حکومت اسلامی و مردمی. رهبر انقلاب در خصوص علت جمع‌آوری کتاب «تبیۀ الأئمة» به دست خود میزبانی نائینی گفتند، مشروطه‌ای که مرحوم نائینی و علمای نجف از آن حمایت کردند در واقع حمایت از برقراری حکومت عدالت و رفع استبداد بود و با آنچه انگلیسی‌ها در ایران به نام مشروطه ایجاد کردند که به اختلافات و وقایعی همچون به دار کشیدن مرحوم شیخ فضل‌الله نوری منتهی شد، متفاوت بود.

رهبر انقلاب مرحوم میرزا محمدحسین نائینی را فقیه‌ی استثنایی و عالمی بزرگ دانستند که از نظر علمی در سطح بسیار رفیعی قرار داشت. ایشان تصریح کردند که از نظر عملی نیز، او شخصیتی زاهد و اهل معنا بود و حالات معارفی و سلوک روحانی‌اش زبانزد بود. نقل شده که نماز شب او با تضرع و مناجات خاصی همراه بود و همین مراقبت‌های معنوی، شاگردان و اطرافیان را در مسیر درست هدایت می‌کرد. وی با بزرگان زمان خود از جمله مرحوم آخوند ملاحسینقلی در نجف و ملافتحعلی در سامرا ارتباط داشت و در اصفهان نیز نزد جهانگیرخان درس فلسفه خوانده بود. این ارتباط‌ها نشان‌دهنده عمق علمی، عرفانی و معنوی اوست و تأکیدی بر وسعت دانش و اهتمام او به علوم گوناگون، از فقه و اصول گرفته تا فلسفه و عرفان. نائینی نه تنها در تدریس و پژوهش علمی برجسته بود بلکه شاگردان ممتاز و تاثیرگذاری تربیت کرد. حضور شاگردان او مانند مرحوم آ میرزا مهدی اصفهانی در مشهد سبب شد، فضای غالب علمی که تحت تأثیر افکار مرحوم آخوند بود با اندیشه‌ها و استدلال‌های نوین نائینی تغییر کند. بعد از آن، مرحوم آقای میلانی، نقش مهمی در زنده نگه داشتن نام و آثار نائینی در مشهد ایفا کرد و بسیاری از اندیشه‌های او را نقل، بحث و غالباً تأیید می‌کرد. رهبر انقلاب در پایان ابراز امیدواری کردند که این گردهمایی، چه در قم، چه در نجف و چه در مشهد، با موفقیت برگزار شود و یاد و افکار نائینی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

توصیه سیدمحمد خاتمی به پزشک‌یان

مقتدر باشید

ما چند دولت باید در این کشور داشته باشیم؟ هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد



گروه سیاسی: سیدمحمد خاتمی در دیدار با جمعی از فعالان سیاسی و اجتماعی استان یزد با تأکید بر لزوم اقتدار و یکپارچگی در اداره کشور گفت: توصیه من به دولت این است که اقتدار داشته باشد؛ ما چند دولت در این کشور باید داشته باشیم؟! هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد. رئیس دولت اصلاحات همچنین با اشاره به نقش تعیین‌کننده مردم و توان موشکی در جنگ ۱۲ روزه اظهار کرد: نکند اشتباه کنیم و بگویم مردم ما را تأیید کردند بلکه مردم ایران را تأیید کردند و این ما هستیم که باید به سمت ایران حرکت کنیم. جمعی از فعالان سیاسی و اجتماعی استان یزد، جمعه شب با سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، دیدار کردند. در این دیدار که در بیت تاریخی شهید صدوقی انجام شد، رئیس دولت اصلاحات با تأکید بر ضرورت شناخت دقیق مشکلات برای دستیابی به راه‌حل واقعی، اظهار کرد: «اگر معتقدیم اسلام جاودانه است باید به تمام پرسش‌ها و نیازهای روز، پاسخ‌های به‌روز و نو شونده بدهد. البته ما همان انتظاری که از علم داریم از دین نداریم اما انسان تنها موجودی است که در پی یافتن پاسخ به سوالات و برآوردن نیازهای خود است. دین جاودانه، دینی است که پرسش و پرسش‌گری که در متن وجود آدمی است به رسمیت بشناسد و راه را برای رفع نیازها باز کند». وی افزود: «دین نمی‌تواند پرسش‌ش را نفی کند؛ چراکه همان خدایی که دین را آفریده، قدرت پرسش‌گری را هم به انسان داده است. بنابراین دین نمی‌تواند به کسی بگوید تو چرا پرسش می‌کنی؟! دین واقعی، تأییدگر پرسش‌گری است و نیز تلاش برای پاسخ‌گویی را می‌شناسد. البته نباید انتظار داشت، دین به همه پرسش‌ها پاسخ بدهد اما راهکار عقلانی و انسانی پاسخ به پرسش‌ها را تأیید می‌کند».

دین و پرسش‌گری

خاتمی تأکید کرد: «دین اگر می‌خواهد جاودانه باشد باید حق پرسش‌گری را قبول کند و زمینه را برای رسیدن به پاسخ فراهم کند؛ چه درون دین باشد، چه توسط عقل به آن دست یابیم. بسیاری از باید و نبایدها را علم پاسخگوست و این امر مورد قبول دین نیز هست. اگر دینی با پرسش‌ها که تابع زمان است هماهنگ نباشد و تصدیق نکند که این پرسش‌ها درون انسان نهفته است، جاودانه نخواهد بود». او با بیان اینکه «ریشه دین قدسی است اما برداشت‌های ما قدسی نیست» افزود: «امام خمینی نیز زمان و مکان را دو عنصر تعیین‌کننده، حتی در مورد حکم- و نه فقط موضوع- می‌دانند به‌ویژه این امر در مورد حکومتی که خود را منتسب به دین می‌داند باید مورد اهتمام و احترام باشد». رئیس دولت اصلاحات در ادامه با اشاره به تعبیر مشهور خود در دوران ریاست جمهوری مبنی بر اینکه «هر آنچه در مقابل آزادی قرار گیرد، حتی اگر دین باشد، زیان می‌کند» گفت: «منظور از آزادی، ولنگاری نیست؛ بلکه منظور، حق تعیین سرنوشت است». او با اشاره به تقابل

ایران

توقف در ایستگاه پالرمو

کشور هنوز از فهرست سیاه خارج نشده است

گروه سیاسی: اختلاف روایت‌ها میان تهران و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بر سر کنوانسیون پالرمو ادامه دارد. در اجلاس اخیر این نهاد، پالرمو محور گفت‌وگوها بود؛ مقامات ایرانی از پذیرش مستندات داخلی و ادامه تعامل و اصلاح قوانین می‌گویند و FATF از حق تحفظ‌های گسترده و اجرای ناقص تعهدات ایران. دو روایت از این رویداد -یکی از سوی مقامات ایرانی و دیگری در بیانیه رسمی این نهاد- هرچند با زاویه نگاه متفاوت اما بر یک واقعیت مشترک تأکید دارند، اینکه مسیر تعامل ایران با FATF ادامه دارد اما تا تحقق خروج از فهرست سیاه هنوز فاصله است. معاون وزیر اقتصاد و دبیر شورای عالی پیشگیری و مقابله با پولشویی در توضیح روند اخیر گفته که در اجلاس اخیر، تنها کنوانسیون پالرمو محور بررسی‌ها بوده است؛ زیرا تصویب CFT در ایران پس از مهلت مقرر برای ارسال گزارش انجام شده بود. او تأکید کرده که به جز یک شرط نیازمند بررسی حقوقی، سایر موارد مورد پذیرش قرار گرفته و مستندات ارائه شده، نشان داده است که قوانین داخلی

آزادی و امنیت یا آزادی و عدالت در طول تاریخ تصریح کرد: «انسان آزاد است که می‌تواند، امنیت خود را بشناسد و انسان آزاد است که توان رسیدن به عدالت را دارد».

ایران برای همه ایرانیان است

خاتمی با اشاره به وضعیت خطیر تاریخی و شاخص‌های اقتصادی کشور گفت: «اسرائیل جز به سقوط جمهوری اسلامی قانع نیست و جز به تجزیه و تضعیف ایران نمی‌اندیشد تا هیچ‌گاه کشوری به نام ایران نتواند باشد یا قدرتمند باشد و جنگ اخیر نیز شدت خطر را نشان داد». او در ادامه «موشک» و «مردم» را دو عامل اصلی سربلندی ایران در جنگ ۱۲ روزه عنوان کرد و افزود: «موضوع ساخت موشک از زمان ریاست جمهوری بنده آغاز شد. البته آنچه در زمان ما آغاز شد بسیار کوچک‌تر از وضع موشکی فعلی بود و ما در جنگ اخیر دیدیم این موشک‌ها چگونه زندگی در آن منطقه جغرافیای کوچک را بر دشمن سخت کرد. همچنین مردم نیز خیلی خوب نشان دادند که هنگام خطر کنار همدیگر هستند و حتی مخالفان جمهوری اسلامی برای ایران و در محکومیت تجاوز اطلاعیه دادند و اظهارنظر کردند».

خاتمی ادامه داد: «نکند اشتباه کنیم و بگویم مردم ما را تأیید کردند بلکه مردم، ایران را تأیید کردند و این ما هستیم که باید به سمت ایران حرکت کنیم. حتی سرودهایی که برای ایران خوانده شد نیز خوب بود اما مدتی بعد از جنگ، صداوسیما دوباره به رویکردهای سابق خود برگشت». وی گفت: «هدف ایران آباد و آزاد است و اسلام و انقلاب اسلامی هم ساختن

ایران و پیشرفت آن را تأیید می‌کند. ایران برای همه ایرانیان است اما باعث تأسف است که امروز از تمام شاخص‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله عقب افتاده‌ایم».

دولت باید مقتدر باشد

رئیس‌جمهور اسبق با تأکید بر قرار دادن «توسعه» در دستور کار کشور اظهار کرد: «اگرچه نباید ذلت را بپذیریم اما در عین حال می‌توانیم به سمت توسعه حرکت کنیم». او با پذیرش برخی نقدها درباره جلوگیری از ورود نسل‌های جوان به محدودیت‌های تأیید صلاحیت‌ها اشاره کرد و گفت: «ما چند دولت در این کشور باید داشته باشیم؟! هر کشور باید یک دولت و یک اقتصاد داشته باشد. توصیه من به دولت این است که اقتدار داشته باشد و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام دهد». خاتمی همچنین یادآور شد: «رئیس‌جمهور و دولت باید مقتدر باشد و رئیس‌جمهور، امور را فرماندهی کند؛ گرچه در این زمینه همواره سختی‌هایی وجود داشته و دارد». وی با اشاره به فشارهای سنگین به دولت تأکید کرد: «به جای گلایه از دولت بابت استخدام نکردن برخی افراد باید تحقق مطالبات را از دولت بخواهیم». او در پایان با توصیه به استفاده از جوانان در جبهه اصلاحات و احزاب اصلاح‌طلب گفت: «این امر مقدمه پیشرفت تدریجی جوانان در مدیریت و فعالیت‌های سیاسی است». خاتمی در جمع‌بندی سخنانش، تحمل یکدیگر در فعالیت‌های سیاسی را ضروری دانست و افزود: «اسراف انرژی برای تضعیف یکدیگر مضر است». وی همچنین محدودیت‌های سیاسی بسیاری از افراد و فعالیت‌ها را مورد انتقاد قرار داد.

یادآور شده که ایران از سال ۲۰۱۶ تاکنون بخش قابل توجهی از برنامه اقدام خود را اجرا نکرده و اصلاح این تحفظ‌ها برای پیشرفت در مسیر همکاری ضروری است. مقایسه دو روایت نشان می‌دهد در حالی که مقامات ایرانی بر پذیرش مستندات و تعامل سازنده تأکید دارند، FATF همچنان در انتظار اقدام‌های عملی و تغییر در حق شرط‌هاست. این تفاوت نگاه را البته می‌توان نه در تقابل بلکه در تکمیل یکدیگر دید؛ بازتابی از دو سطح متفاوت روایت، یکی از درون دستگاه‌های اجرایی و دیگری از منظر نهاد ناظر بین‌المللی. در مجموع، تعامل ایران با FATF در مرحله‌ای میانی قرار دارد: نه قطع تعامل، نه تحقق کامل اهداف. از این رو، مسیر خروج از فهرست سیاه مستلزم تداوم گفت‌وگوهای کارشناسی، اصلاح برخی ملاحظات حقوقی و تقویت دیپلماسی اقتصادی است؛ مسیری که می‌تواند، زمینه‌ساز بازگشت تدریجی ایران به نظم مالی جهانی و کاستن از فشارهای ناشی از انزوای بانکی باشد.

ایران در حوزه مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در مواردی از الزامات پالرمو نیز فراتر می‌رود. رئیس مرکز اطلاعات مالی نیز در توضیح جزئیات تعاملات اخیر گفته است: برنامه اقدام ایران بر دو محور اصلی متمرکز است: نخست، اصلاح قوانین و مقررات در چارچوب استانداردهای جهانی و دوم، اثبات اجرایی بودن این قوانین در داخل کشور. او یادآور شد که تصویب پالرمو و CFT تنها نقطه آغاز همکاری با FATF است و به‌تنباهی به معنای خروج از فهرست سیاه تلقی نمی‌شود. او همچنین بیانیه‌های FATF را بیشتر فنی و حقوقی دانست تا اقتصادی و معتقد است این نهاد در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت صرفاً مواضع اجرایی خود را اعلام می‌کند. در سوی مقابل FATF در بیانیه رسمی خود ضمن تأیید از سرگیری تعامل با ایران، تصریح کرده که کشور هنوز از فهرست سیاه خارج نشده است. علت اصلی این موضوع به گفته این نهاد «حق تحفظ‌های گسترده ایران نسبت به کنوانسیون پالرمو» است که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارد. FATF

نامه مشترک ایران به چین و روسیه

پایان مأموریت گروسی

گروه بین‌الملل: با پایان یافتن مهلت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

در تاریخ ۲۶ مهرماه، نمایندگان ایران، روسیه و چین در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی نامه‌ای رسمی به رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، اعلام کردند که وظیفه این نهاد برای نظارت و گزارش‌دهی در چارچوب این قطعنامه نیز به پایان رسیده است. این نامه که از سوی سفیران سه کشور ارسال شده به نامه مشترک وزرای خارجه ایران، روسیه و چین در تاریخ ۲۸ آگوست ۲۰۲۵ اشاره دارد و بر موضع مشترک آنان در برابر اقدامات اخیر سه کشور اروپایی، یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان، تأکید می‌کند. در متن نامه آمده است که تلاش کشورهای اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم موسوم به «اسنپیک» فاقد اعتبار حقوقی و رویه‌ای است؛ زیرا این کشورها خود تعهداتشان در چارچوب برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرده‌اند و حتی روند حل‌وفصل اختلافات را نیز به‌طور کامل طی نکرده‌اند. از این‌رو صلاحیت استناد به این سازوکار را ندارند. همچنین تأکید شده که با پایان یافتن مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ گزارش‌دهی آژانس در چارچوب این قطعنامه نیز متوقف خواهد شد. بر اساس این نامه تنها سند معتبر برای نحوه نظارت آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، قطعنامه شورای حکام مورخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ است که

همچنان معتبر باقی مانده است. طبق بند ۱۴ این سند، نظارت آژانس تنها تا ۱۰ سال پس از «روز اجرا» یا تا زمانی که آژانس به «جمع‌بندی گسترده» درباره برنامه هسته‌ای ایران برسد، ادامه خواهد داشت. بنابراین پس از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ این موضوع به‌طور خودکار از دستورکار شورای حکام خارج می‌شود. در بخش پایانی نامه، سه کشور خواستار پایبندی تمامی طرف‌ها به مسیر دیپلماسی، گفت‌وگو و احترام متقابل شده‌اند و هشدار داده‌اند که تحریم‌های یک‌جانبه و تهدید به زور، تنها موجب تشدید تنش‌ها خواهد شد. همچنین از آژانس خواسته‌اند که این نامه را به‌عنوان سند رسمی میان تمامی اعضا توزیع کند.

اهداف نامه مشترک

از منظر تهران، با پایان یافتن اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ پرونده ایران باید به وضعیت عادی پادمانی بازگردد و دیگر هیچ‌یک از سازوکارهای مرتبط با این قطعنامه حق استمرار ندارند. این رویکرد به معنای کاهش وزن سیاسی پرونده در آژانس و محدود شدن امکان بهره‌برداری برخی دولت‌ها از بستر شورای امنیت برای اعمال فشار است. ایران در تلاش است تا پرونده را از فضای سیاسی نیویورک به مسیر فنی وین منتقل کند؛ مسیری که در

آمریکای لاتین

لشگرکشی به کارائیب

مبارزه با مواد مخدر یا تغییر رژیم؟

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در دل آب‌های گرم و آفتابی کارائیب، آرامش ظاهری جای خود را به تحرکات نظامی پر تنش داده است. پنتاگون روز جمعه اعلام کرد که ناو هواپیمابر عظیم «جرالد فورد» به همراه ناوهای جنگی و اسکاادران‌های هوایی به فرماندهی جنوبی ایالات متحده در اطراف آمریکای لاتین پیوسته‌اند. این تصمیم همزمان با افزایش عملیات‌های نظامی آمریکا علیه قایق‌های مظنون به قاچاق مواد مخدر، منطقه را به صحنه‌ای تازه از تقابلهای ژئوپلیتیکی بدل کرده است. واشنگتن می‌گوید، هدف از این استقرار، تقویت توانایی‌های شناسایی، پایش و مقابله با گروه‌های غیرقانونی است؛ اما همزمان با این اقدام، گزارش‌ها از افزایش حملات نظامی به قایق‌های مظنون حکایت دارند. در یکی از حملات شبانه اخیر ۶ نفر کشته شدند و مجموع قربانیان از آغاز عملیات‌ها در سپتامبر به دست‌کم ۴۳ نفر رسیده است.

پیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده با لحنی بی‌پرده اعلام کرده که با «تروریست‌های مواد مخدر» همان‌گونه رفتار خواهد شد که با القاعده شد. این تشبیه، نه‌تنها بار امنیتی دارد بلکه پیامدهای حقوقی و سیاسی گسترده‌ای را نیز به همراه آورده است. او در سخنانی گفت: «اگر

شما یک تروریست مواد مخدر هستید که در نیمکره ما به قاچاق می‌پردازد با شما همان‌گونه رفتار خواهیم کرد که با القاعده رفتار کردیم». چنین زبان تهاجمی و تقابلی‌جویانه‌ای، که کارتل‌ها را «پیکارجویان غیرقانونی» معرفی می‌کند، نگرانی‌های گسترده‌ای درباره پیامدهای حقوقی و ژئوپلیتیکی این عملیات‌ها برانگیخته است. منتقدان این رویکرد می‌گویند که استفاده از واژگان جنگی برای توصیف عملیات‌های ضدقاچاق، می‌تواند زمینه‌ساز مداخلات نظامی گسترده‌تر و حتی درگیری‌های منطقه‌ای شود.

در کاراکاس، واکنش‌ها خشم‌آلود و هشدارآمیز بوده‌اند. نیکلاس ماسدورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، اعزام بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان را «آغاز جنگی تازه و بی‌پایان» خوانده و واشنگتن را متهم کرده که با ساختن پرونده‌های جعلی در

پی مداخله و سرنگونی دولت اوست. او خواستار بسیج ملی و تمرینات دفاعی شده و از کشورهای منطقه خواسته است در برابر هرگونه مداخله احتمالی مقاومت کنند. ماسدورو در سخنرانی تلویزیونی‌اش گفت: «قول داده بودند که دیگر وارد هیچ جنگی نشوند اما حالا در حال ساختن جنگی هستند که ما از وقوع آن جلوگیری خواهیم کرد. چگونه؟ با بسیج ملت‌های آمریکای جنوبی زیرا همه آمریکای جنوبی و کارائیب یکصدا می‌گویند: نه به جنگ، آری به صلح، آری به رفاه، آری به همزیستی». او روایت آمریکا را «مضحک، جنایتکارانه و دروغین» توصیف کرده و تأکید کرده که ونزوئلا نه تولیدکننده برگ کوکاست و نه کوکائین، به گفته او، تنها مقدار اندکی از مواد مخدر از کلمبیا وارد کشور می‌شود و دولت در تلاش است تا جلوی همین مقدار اندک را نیز بگیرد.



در واشنگتن، روایت دیگری در جریان است. کاخ سفید می‌گوید، هدف اصلی کاهش ورود مواد مخدر به خاک آمریکاست. با این حال منتقدان این روایت را بهانه‌ای برای افزایش فشار بر دولت ونزوئلا و تضعیف مشروعیت آن می‌دانند. در سال‌های اخیر ایالات متحده، ماسدورو را به رهبری شبکه‌ای از قاچاق و تروریسم متهم کرده و حتی پاداش ۵۰ میلیون دلاری برای اطلاعات منتهی به بازداشت او تعیین کرده است. اما تحلیلگران معتقدند که چنین اقداماتی در برابر ساختارهای پیچیده فساد و منافع اقتصادی در ونزوئلا چندان اثربخش نیستند. یکی از نقاط مبهم در این بحران، منشأ قایق‌هایی است که هدف حملات قرار گرفته‌اند. واشنگتن می‌گوید برخی از آنها ونزوئلایی بوده‌اند اما سندی معتبر برای اثبات ارتباط آنها با شبکه‌های بزرگ قاچاق ارائه نشده است.

آن قواعد، رویه‌ها و معیارها روشن‌تر و قابل کنترل‌تر هستند. نامه مشترک ایران، روسیه و چین با هدف جلوگیری از باقی ماندن موضوع قطعنامه ۲۲۳۱ در دستور جلسات شورای حکام تنظیم شده است؛ چراکه این عنوان بستری برای اعمال فشارهای سیاسی بوده است. در شرایطی که روند حل اختلاف طی نشده و کشورهای اروپایی خود متهم به نقض تعهدات هستند، توسل آنان به اسنپیک از نظر تهران فاقد اعتبار حقوقی است و در صورت تلاش برای اعمال فشار باید خارج از چارچوب شورای امنیت اقدام کنند؛ امری که هزینه‌های مشروعیت‌سازی و هماهنگی بین‌المللی را برای آنان افزایش می‌دهد.

این نامه حامل پیام‌های روشنی برای بازیگران مختلف بین‌المللی است. برای ایالات متحده، یادآور محدودیت‌های

کارشناسان همچنین یادآور می‌شوند که ماده مخدر فنتانیل، که تهدیدی ملی برای آمریکا تلقی می‌شود، عمدتاً در مکزیک تولید و از مرز جنوبی وارد ایالات متحده می‌شود. بنابراین تمرکز نظامی در کارائیب و اطراف ونزوئلا پرسش‌برانگیز است. این پرسش‌ها تنها محدود به ونزوئلا نیستند. گوستاو پترو، رئیس‌جمهور کلمبیا، ایالات متحده را به نقض حاکمیت ملی و حتی قتل یک شهروند کلمبیایی در یکی از حملات متهم کرده است. این اتهامات، خطر سرریز شدن بحران به روابط دوجانبه و منطقه‌ای را افزایش داده و فضای دیپلماسی را پیچیده‌تر کرده‌اند.

از منظر حقوق بین‌الملل نیز استفاده از زور در آب‌های بین‌المللی علیه کشتی‌هایی که بار آنها رسماً بازرسی نشده، محل مناقشه است. برخی حقوقدانان می‌پرسند، آیا اصول مربوط به دفاع مشروع یا تعقیب مجرمین بین‌المللی در این موارد صدق می‌کند؟ اگر ارتباط باندهای جنایتکار با دولت ونزوئلا اثبات نشود، مشروعیت اقدامات آمریکا زیر سؤال خواهد رفت. در داخل ونزوئلا، هم حاکمان و هم مخالفان نسبت به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فشارهای خارجی هشدار داده‌اند. تحریم‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، تهدید سرمایه‌گذاری و افزایش مهاجرت از جمله نگرانی‌های مطرح شده‌اند. در عین حال برخی منتقدان ماسدورو نیز نسبت به اثربخشی عملیات‌های نظامی آمریکا تردید دارند و یادآور می‌شوند که مداخلات پنهان پیشین در آمریکای لاتین خاطره‌بار و بحث‌برانگیز بوده‌اند.

اما پرسش بزرگ این است: آیا هدف واشنگتن صرفاً مقابله با قاچاق مواد مخدر است یا لایه‌هایی از اهداف ژئوپلیتیکی و تغییر رژیم نیز در کار است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی هم‌زمان حقوق بین‌الملل، منافع ملی، واقعیت‌های محلی و هزینه‌های سیاسی

منطقه‌ای است. هر یک از این عوامل می‌توانند، آینده روابط آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین را شکل دهند. در نهایت، آنچه در آب‌های کارائیب در جریان است، فراتر از یک عملیات ضدقاچاق ساده است. این مجموعه‌ای از اقدامات نظامی، دیپلماتیک و اطلاعاتی است که می‌تواند به یک منازعه سیاسی جهانی بدل شود. آیا بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی خواهند توانست از طریق گفت‌وگو، شفافیت و هماهنگی حقوقی از گسترش بحران جلوگیری کنند؟ یا تنش‌ها به نقطه‌ای خواهند رسید که بهای انسانی و سیاسی سنگینی در پی داشته باشند؟ روزها و هفته‌های آینده، پاسخ این پرسش‌ها را روشن‌تر خواهند کرد. اما آنچه مسلم است، کارائیب دیگر آرام نیست و هر لحظه جرقه‌ای می‌تواند، آتش نزاع را در این منطقه شعله‌ور کند.



فزاینده از استفاده از سازوکارهای اجماع‌سازی در شورای امنیت و نیاز روزافزون به پشتوانه‌های سیاسی و اقتصادی برای پیشبرد فشارهای یک‌جانبه است. برای اروپا، هشدار می‌دهد که ادعای بازگشت تحریم‌ها بدون پایبندی واقعی به تعهدات و طی مراحل قانونی حل اختلاف، اعتبار خود را از دست خواهد داد. و برای اسرائیل، کاهش امکان طرح منظم پرونده‌ها در شورای امنیت به معنای دشوارتر شدن زمینه‌سازی برای اعمال فشارهای نمادین و سیاسی تلقی می‌شود. در چشم‌انداز کوتاه‌مدت، سه سناریو محتمل است: غلبه روایت غرب و تثبیت نمادین بازگشت تحریم‌ها؛ غلبه دیدگاه ایران، روسیه و چین و انتقال کامل پرونده به مسیر فنی پادمانی؛ یا تداوم وضعیت میانه که در آن نزاع حقوقی و سیاسی ادامه دارد اما کانال گفت‌وگو همچنان باز باقی می‌ماند.

دیدگاه: یادداشت دیپلماسی

سیاست روایت

نبرد معنا در دیپلماسی معاصر

مهدی حسین پورمطلق

پژوهشگر جغرافیای سیاسی

دیپلماسی امروز دیگر محدود به میز مذاکره و توافقات رسمی نیست؛ جهان مدرن، عرصه رقابت روایت‌هاست و کشوری که بتواند روایت خود را شکل دهد، قدرت واقعی را در اختیار دارد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان روایت‌گری را به ابزار مؤثر سیاست خارجی تبدیل کرد؟ فوکو نشان می‌دهد که قدرت صرفاً در اختیار منابع نیست بلکه در کنترل روایت و ساختارهای معرفتی تحقق می‌یابد. هانتینگتون یادآور می‌شود که فرهنگ و تمدن، مرزهای اصلی تعامل جهانی‌اند و کشورها بر اساس توان روایت‌گری فرهنگی خود تأثیرگذار می‌شوند. هابرماس نیز تأکید می‌کند که گفت‌وگو و استدلال عقلانی، اساس اعتماد و مشروعیت در نظام‌های بین‌المللی است. این ۳ دیدگاه نشان می‌دهند که روایت‌گری، نقطه تلاقی قدرت، فرهنگ و خرد است و هر کشوری که بتواند میان این سه عنصر تعادل برقرار کند از حاشیه به مرکز نظم جهانی گام برمی‌دارد. در تاریخ ایران، نمونه‌های روشنی از روایت‌گری موفق وجود دارد: از دیپلماسی فرهنگی صفویه در ارتباط با اروپا تا نقش ایران در جنبش عدم تعهد. در دیپلماسی معاصر نیز همین منطق را می‌توان مشاهده کرد. ظریف، در مقام وزیر خارجه، کوشید چهره‌ای گفت‌وگومحور از ایران ارائه دهد؛ او روایت را ابزار قدرت دانست و با زبانی مبتنی بر اقناع، عقلانیت و گفتمان اخلاقی، تلاش کرد ایران را به‌عنوان کشگری معقول در نظام بین‌الملل معرفی کند. در مقابل، عراق‌چی در دوره جدید، گرچه از همان مکتب فکری تعامل بر خاسته اما بر عمل‌گرایی و احتیاط دیپلماتیک تأکید دارد؛ رویکردی که در آن روایت، کمتر رسانه‌ای و بیشتر فنی و حساب شده است. این تفاوت، نشانگر دو قرانت از سیاست روایت است: یکی بر پایه اقناع و دیگری بر پایه توازن. ایران امروز در نقطه‌ای قرار دارد که باید میزان این دو رویکرد تعادل برقرار کند؛ میان روایت‌گری پر قدرت و دیپلماسی محتاط. چنانکه فوکو تأکید می‌کرد، قدرت در معنا نهفته است و آن کشوری که روایت خود را بسازد، واقعیت را نیز شکل می‌دهد. آینده دیپلماسی ایران در گرو تلفیق روایت ظرفانه و عمل‌گرایی عراق‌چی‌گونه است؛ ترکیبی از معنا، مصلحت و خرد که بتواند ایران را در جهان چند صدایی امروز به جایگاه شایسته خود بازگرداند.

برگزیدگان عاشوراپژوهی

دوسالانه کتاب عاشورا برگزیدگان خود را معرفی کرد



رشته ادبیات داستانی

شایسته تقدیر: «مهمان‌گاه»، اثر زهره ترابی از «نشر اطراف».

رشته هنر



برگزیده: «آیین گل»، اثر حجت‌الله سپهوند (ناشر: مؤلف و «هم‌پای نور»)
عبدالحمید قدیریان از «انتشارات سوره مهر».

رشته کودک و نوجوان

شایسته تقدیر: «آین کدو مال اوست»، اثر گروه نویسندگان از «نشر اطراف» و «شب و حشت»، اثر سیدسعید هاشمی از «نشر جمال».

رشته ترجمه، تصحیح و زبان‌های دیگر

شایسته تقدیر: «Les Femmes et le haut fait de Kar-bala»، اثر بریژیت لاکومب (ترجمه زهرا فاخر) از «نشر رود آبی».

انتشار ویژه‌نامه سومین دوره

هم‌چنین به مناسبت برگزاری این رویداد، ویژه‌نامه سومین دوره دوسالانه کتاب عاشورا در آبان ۱۴۰۴ منتشر شد. این ویژه‌نامه شامل بخش‌هایی چون معرفی جایزه، گزارش روند اجرای دوره، معرفی هیأت داوران، نامزدها، آثار منتخب، برگزیدگان بخش‌های جانبی (نکوداشت عاشورانگاران و فعالیت‌های مردنه‌ها) همچنین گزارش تصویری از اختتامیه دوره دوم است. پیش‌تر نیز ویژه‌نامه‌های دوره‌های اول و دوم این رویداد منتشر شده و مورد استقبال جامعه علمی و فرهنگی قرار گرفته بود.

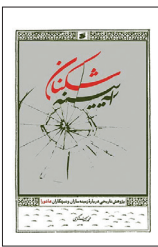


رشته مقتل و تاریخ



شایسته تقدیر: «امام حسین و عاشورا به روایت طبقات ابن‌سعد»، اثر مجتبی سلطانی احمدی و مهدی دقیقی از «نشر آرما» و «الدمعه الساکبة»
علی صاحب المصیبة الراتبه»، اثر علیرضا قاسمی از «انتشارات دلیل ما».

رشته تحلیل و تبیین عاشورا



برگزیده: «آینه‌شکنان»، اثر محمدرضا سنگری از شرکت چاپ و «نشر بین‌الملل» و «رویکردهای ایرانی به واقعه عاشورا»، اثر علی مهجور از «انتشارات نیستان هنر».

شایسته تقدیر: «عاشورا؛ فساد و اصلاح»، اثر داود فیرحی از

(نشر نی).

رشته مطالعات آیین‌های عزاداری



برگزیده: «مردم‌شناسی دین»، اثر علی بلوکباشی از «انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار» و «اجتماعات شیعی در گستره جهانی»، اثر جبار رحمانی از «نشر آرما».

شایسته تقدیر: «از حکمت تا معنویت»، اثر صدیقه رضایی

تمیجانی از «پژوهشکده باقرالعلوم».

رشته شعر

برگزیده: «ایستاده باید مرد»، اثر محمدعلی مجاهدی از «انتشارات سوره مهر».

در امتداد بیهقی

محمود دولت‌آبادی در مراسم قرار دلتنگی برای ابراهیم گلستان

شامگاه اول آبان ماه، مراسم «قرار دلتنگی برای ابراهیم گلستان» در کافه‌کتاب نشر ثالث با حضور محمود دولت‌آبادی و لیلی گلستان برگزار شد. به گزارش این‌دا در این مراسم محمود دولت‌آبادی گفت: «چنین مراسمی و حتی در ابعادی گسترده‌تر باید برگزار شود تا آقای ابراهیم گلستان بداند که مردم ما فراموش نمی‌کنند آنان که برای‌شان کار کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند و عمر خود را در این راه گذاشته‌اند.»

نقش نجات‌بخش زبان از بیهقی تا گلستان

دولت‌آبادی ادامه داد: امروز، اول آبان ماه، روز ابوالفضل بیهقی است. اهل خراسان این روز را گرامی می‌دارند و در دیگر شهرها نیز ممکن است، برگزار شود. من این را نه از سر تعصب بلکه از سر قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی‌مان می‌گویم. چراکه یادآوری چنین روزهایی نشانه آن است که ما نویسندگان و بزرگان ادب گذشته را فراموش نکرده‌ایم. مردم ما قدرشناس‌اند. می‌خواهم درباره تثر ابراهیم گلستان سخن بگویم، اما پیش از آن، یک صفحه از تاریخ بیهقی می‌خوانم تا بعد به بحث گلستان برسیم. یکی از ویژگی‌های برجسته گلستان این بود که ادبیات کهن فارسی را به‌خوبی خوانده و فهمیده بود. از قول خودش نقل کرده‌اند که گفته بود: «بیش از ۵۰ بار گلستان سعدی را خوانده‌ام.» این گفته باید برای دوستان جوانی که تازه قدم در راه ادبیات گذاشته‌اند، آموزنده باشد. پیشینیان چنین ممارستی داشتند.»

دولت‌آبادی ادامه داد: در بخشی از «تاریخ بیهقی» درباره آمدن رسول خلیفه به نیشابور آمده است: «... اما رسول چون به نیشابور آمد با دو خادم و دو خلعت و کرامات و لوا و عهد آوردند، هفتصد هزار درم در کار ایشان بشد. و این سلیمانی به رسولی و شغلی بزرگ آمده است، خلعتی بسزا باید او را و صد هزار درم صلت. آنگاه چون باز آید و آنچه خواسته‌ایم بیارد آنچه رای عالی ببیند، بدهد. امیر گفت: «سخت صواب آمد» و زیادت خلیفه را بر خواجه بردادن گرفت و وی می‌نشست: صد پاره جامه همه قیمتی از هر دستی، از آن ده به زر، و پنجاه نafe مشک و صد شامه کافور و دیوست میل شاره به‌غایت نیکوتر از قصب و پنجاه تیغ قیمتی هندی و جامی زرین از هزار مثقال پر مروارید و ده پاره یاقوت و بیست پاره لعل بدخشی به‌غایت نیکو

سینمای ایران

اختتامیه در زمین تنیس

جشنواره فیلم کوتاه با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد

این دوره به سینمای متفکرانه توجهی خاص نشان داده شد. فیلم کوتاه ظرفیت قابل توجهی دارد و نسل جوان فیلمسازان کوتاه با خلاقیت‌های خود میان تفکر و اندیشه، نسبیتی را برقرار می‌کنند». در ادامه گروه موسیقی «ول شدگان» با حضور بهزاد حسن‌زاده نوازنده ساز کمانچه، مهران فلاحی نوازنده تار و محمد نوبهار نوازنده تنبک به اجرای موسیقی سنتی پرداختند. سپس مراسم بزرگداشت آرش رصافی، پیشکسوت باسابقه سینمای کوتاه برگزار شد و فیلمی کوتاه درباره فعالیت‌های رصافی از سال‌های حضور او در سینمای کوتاه به نمایش درآمد.

در بخشی که کلیپی برای بزرگداشت آرش رصافی پخش شد، هم‌زمان با قطع شدن نور سالن برای بهتر دیدن کلیپ، پخش ویدئو دچار





هوش مصنوعی منتقد بدون تعصبی است

پل شریدر استفاده از هوش مصنوعی در سینما را تحسین و تشویق می‌کند

را به متن می‌آورد تا خواننده بتواند با او هم‌نظر شود یا کاملاً مخالفت کند؟ در دنیای نقد هنری شاید تعصب انسانی نه نقص بلکه بخشی از زیبایی کار باشد.

شریدر در ماه‌های اخیر با نقدهای صریح خود از فیلم‌ها در فیس‌بوک خبرساز شده است. او درباره فیلم «یک نبرد پس از دیگری» ساخته پل توماس اندرسون و با بازی لئوناردو دی‌کاپریو نوشت:

«فیلم‌سازی در سطح A+ اما هر چقدر تلاش کردم، نتوانستم ذره‌ای همدلی با لئوناردو دی‌کاپریو یا شان پن احساس کنم. مدام منتظر مرگشان بودم. آنچه مرا برای دو ساعت روی صندلی نگه داشت، لذت فیلم‌سازی کارگردان پل توماس اندرسون بود».

فیلم «یک نبرد پس از دیگری» که به‌طور آزادانه از رمان نوشته توماس پینچن الهام گرفته‌ده در جوایز گلدن گلوب پیش‌رو در شاخه کمدی رقابت خواهد کرد. این فیلم حماسی محصول استودیو برادران وارنر، داستان گروهی از انقلابیون سابق را روایت می‌کند که پس از بازگشت دشمنی قدیمی، دوباره گردهم می‌آیند تا دختر یکی از همراهان‌شان را نجات دهند. بازیگران این فیلم شامل لئوناردو دی‌کاپریو، شان پن، بنیسیو دل تورو، رچینا هال، تیانا تیلور و جیس اینفینیتی هستند.

بنا بر گزارش پیش‌بین وراثتی، دی‌کاپریو و اینفینیتی در بخش بازیگران نقش اول نامزد خواهند شد، در حالی که سایر اعضای گروه بازیگران در بخش نقش مکمل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

با امتیاز ۹۵ درصد در راتن تومیتوز و نمره ۹۵ در متاکریتیک، «یک نبرد پس از دیگری» به‌عنوان یکی از تحسین‌شده‌ترین فیلم‌های سال شناخته می‌شود. پیش‌بینی‌های اخیر روایتی نشان می‌دهد که این فیلم می‌تواند تا ۱۴ نامزدی اسکار کسب کند، عددی که با رکورد آثار کلاسیکی چون «همه چیز درباره ایو» (۱۹۵۰)، «تایپانیک» (۱۹۹۷) و «اللا لند» (۲۰۱۶) برابری می‌کند. با اضافه شدن شاخه جدید بازیگری در فصل جاری

احتمال شکستن این رکورد نیز وجود دارد.

در جوایز گلدن گلوب نیز این فیلم شانس ثبت‌نامی تاریخی دارد. فیلم کلاسیک رابرت آلتمن با عنوان «نشویل» (۱۹۷۵) هم‌اکنون با ۱۱ نامزدی رکورددار است در حالی که موزیکال اسپانیایی‌زبان «امیلیا پرز» (۲۰۲۴) با ۱۰ نامزدی در رتبه دوم قرار دارد. پیش‌بینی وراثتی نشان می‌دهد «یک نبرد پس از دیگری» احتمالاً حدود ۱۰ نامزدی به‌دست خواهد آورد که در این صورت با «امیلیا پرز» به‌عنوان دومین فیلم پرنامزد تاریخ گلدن گلوب برابر می‌شود.

اگر فروش داخلی فیلم از مرز ۱۰۰ میلیون دلار بگذرد، واجد شرایط رقابت در شاخه «دست‌آورد سینمایی و فروش گیشه» نیز خواهد شد؛ شاخه‌ای که نیازمند فروش ۱۵۰ میلیون دلاری جهانی و حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در آمریکاست. تاکنون فروش جهانی فیلم از ۱۶۵ میلیون دلار گذشته اما در بازار داخلی هنوز به ۶۵ میلیون دلار رسیده است. در صورت ارسال برای این شاخه امکان دستیابی به ۱۱ نامزدی نیز وجود دارد.

فهرست نامزدهای جوایز گلدن گلوب در تاریخ ۸ دسامبر (۱۷ آذرماه) اعلام خواهد شد.

پل شریدر، فیلمنامه‌نویس سرشناس فیلم «راننده تاکسی» از کار روی فیلمنامه‌ای خبر داده که به گفته او می‌تواند، نخستین فیلم بلند ساخته شده به‌طور کامل با هوش مصنوعی باشد. این نویسنده هوش مصنوعی را منتقد بهتری برای سینما دانست.

شریدر، نویسنده و کارگردان ۷۹ ساله از استفاده از هوش مصنوعی در ساخت فیلم دفاع کرده و پیش‌بینی می‌کند که تنها در سال تا ساخت نخستین فیلمی که به‌طور کامل با این فناوری ساخته می‌شود، فاصله داریم. او در گفت‌وگویی با وینیتی‌فر گفت: «فکر می‌کنم فقط دو سال تا اولین فیلم بلند ساخته شده با هوش مصنوعی فاصله داریم. امروز با کسی تلفنی صحبت می‌کردم درباره فیلمنامه‌ای که دارم و گفتم این فیلمنامه کاملاً برای ساخت با هوش مصنوعی مناسب است. این فقط یک ابزار است. وقتی نویسنده‌ای باید واکنش شخصیت را توصیف کنی. از یک کُد استفاده می‌کنی، کدی از واژه‌ها، تعداد خاصی از حروف و... و واکنش چهره او را توصیف می‌کنی. یک بازیگر هم کُد خودش را دارد. حالا با هوش مصنوعی، تو پیکسل‌سازی می‌کنی، می‌توانی چهره را بسازی، احساس را خلق کنی و آن را همان‌طور که نویسنده واکنش را در رمان یا داستان شکل می‌دهد، مجسم کنی».

با این حال شریدر معتقد است، هوش مصنوعی می‌تواند نقد فیلم بهتری ارائه دهد زیرا این فناوری فاقد تعصب انسانی است. وقتی از او پرسیده شد، آیا نقدی که توسط هوش مصنوعی نوشته شده را می‌خواند، پاسخ داد: «هوش مصنوعی دارد تسلط خود را بر پوشش خبری فیلم‌ها گسترش می‌دهد. همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، هوش مصنوعی پوشش بهتری از میانگین نقدها ارائه می‌دهد چون مجبور نیست طرف کسی را بگیرد. خیلی وقت‌ها وقتی برای نقدنویسی استخدام می‌شوی، احساس می‌کنی، کارفرما از تو انتظار دارد فیلم را دوست داشته باشی اما این نوع جهت‌دهی را نمی‌توان به هوش مصنوعی داد».

اظهارات این فیلمنامه‌نویس و کارگردان، ادامه مطلبی است که چند ماه پیش در فیس‌بوک نوشت: باید به‌سادگی بتوان چت جی‌بی‌تی را طوری برنامه‌ریزی کرد که فیلمی جدید را به سبک منتقدانی مثل پولین کیل، اندرو ساریس یا منی‌فایر نقد کند. چت جی‌بی‌تی فقط باید فیلم را ببیند، تمام نقدهای منتقد مورد نظر را بخواند، همه فیلم‌هایی که آن منتقد بررسی کرده تماشا کند، تمام فیلم‌های قبلی کارگردان، بازیگران و طراحان فیلم جدید را ببیند، تمام فیلم‌های مشابه در ژانر را ببیند، نقدهای آنها را بخواند و تمام نقدهای دیگر درباره فیلم جدید را هم بررسی کند. کل این فرآیند برای این هوش مصنوعی حدود ۳۰ ثانیه طول می‌کشد».

در عین حال مفهوم نقد «کاملاً بی‌طرفانه» توسط هوش مصنوعی نیز پرسش‌برانگیز است. وب‌سایت‌هایی مانند راتن تومیتوز هم‌اکنون با ترکیب صدها نقد، میانگینی عددی و توضیحی کلی از فیلم ارائه می‌دهند اما نتیجه آن اغلب خشک و بی‌روح است.

آیا بخش جذاب خواندن نقد فیلم در همین نیست که منتقد انسانی با همه هوشمندی و کم‌وکاستی‌هایش نظر شخصی خود را بنویسد؟ کسی که تجربه و احساس خود



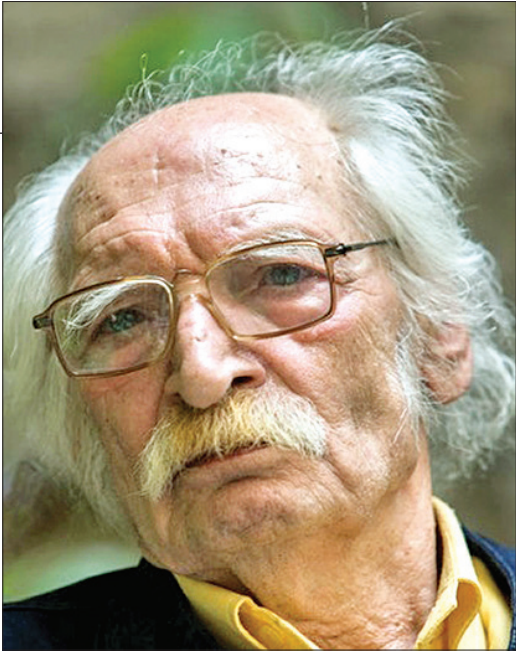
تلاش کردند اما نتیجه کارشان به‌اندازه استعدادشان نبود. ابراهیم گلستان ۵۰ سال در ایران نبود. این غیبت طولانی اشتباه بزرگی بود. ۵۰ سال تمام، یک خط ننوشت. هرچه از او چاپ شده، متعلق به پیش از انقلاب است. همان آثاری که پیش‌تر نوشته بود و منتشر کرده بود تا بمانند و از یاد نروند. اما دیگر هیچ اثر تازه‌ای نیافرید. او می‌توانست در این سال‌ها بر آثارش بیفزاید، می‌توانست حضور داشته باشد و کار کند. نماندن، اشتباه بود. چراکه بودنش در ایران برای ما نوعی پشتوانه، نوعی ستون فرهنگی محسوب می‌شد. در میان کسانی که رفتند، هر کدام به‌نوعی در کار خود تلاش کردند. مثلاً اسماعیل خویی شعرهای خوبی گفت، منیرو روانی‌پور نوشت و فعالیت کرد اما هیچ‌کدام از آنان در خارج از ایران نتوانستند، آن تأثیر و ارتباط زنده‌ای که در وطن داشتند، حفظ کنند. بهرام بیضایی پیش از هر کس دیگری کوشیده است که کار خود را ادامه دهد. اما تاتار در خارج از ایران همان موقعیت و گستره‌ای را ندارد که اینجا می‌توانست داشته باشد. تاتاری که در ایران می‌توانست هر شب هشت‌هزار تماشاگر داشته باشد، اکنون در آنجا برای پنجاه یا صد نفر اجرا می‌شود. حیف است. و من به عنوان فرزند آقای گلستان، از پدر خود نیز گله‌مندم. او پنجاه سال تمام منفعل بود. پنجاه سال تمام می‌توانست درگیر باشد، کار کند، رنج بکشد اما در وطن بماند و خلق کند. نکرد. اشتباه کرد. من از طرف او، از همه شما که امروز اینجا هستید، عذرخواهی می‌کنم. بودن او در ایران برای ما بسیار ارزشمند بود؛ حضورش به ما تکیه و اطمینان می‌داد. اما رفت. و من می‌گویم کاش نمی‌رفت. به هر حال، برای او احترام قائلم. او برای همه ما یادآور نسلی است که اندیشه و نوآوری را با سخت‌کوشی همراه کرد. اما در عین احترام، نمی‌توانم تأسّف را پنهان کنم از اینکه پنجاه سال از عمرش را در دوری از وطن گذراند و در آن دوران، سکوت کرد».

آرش رصافی در حالی که تحت تأثیر تشویق‌ها قرار گرفته بود، گفت: اگر فعالیت انجام دادم براساس وظیفه و از اعماق قلبم بوده است. متأسّفم که سینمای ایران دیگر از حضور ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، کیومرث پوراحمد، بهرام بیضایی و امیر نادری خالی است اما خوشحالم نسل جوان پرنانرژی و با استعدادی در سینما حضور دارند که می‌توانند، جای خالی این اساتید را پر کنند.

او از مدیران قبلی انجمن سینمای جوانان ایران که در گذشته می‌خواستند چنین بزرگداشتی برای او برگزار کنند، قدردانی و بابت پذیرفتن آن عذرخواهی کرد و توضیح داد: «آنچه باعث شد، دعوت بهروز شعبانی را بپذیرم این بود که فکر کردم این آخرین باری است که می‌توانم روی این سن از تمام کسانی که در این سال‌ها لطف داشتند، تشکر کنم و حلالیت بطلبم اگر دوستی وارد اتاق من شد و نتوانستم به او کمک کنم». در بخش‌های مختلف جشنواره به خصوص اعلام حضور هیات داوران از میان برخی نام‌ها تنها نشانه حضورشان، تصویر و اسم‌شان بر روی صفحه نمایش مراسم بود. آنها در مراسم اختتامیه حاضر نبودند. بهمن کیارستمی، پریوش نظریه، بایرام فضلی و سعید ابراهیمی‌فر از جمله این افراد بودند. در غیاب این افراد می‌توان به‌حضور چهره‌هایی همچون حمید نعمت‌الله، حمید جبلی و مرضیه برومند در ترکیب داوران بخش‌های مختلف اشاره کرد که برای اهدای جوایز، روی سن اختتامیه حضور پیدا کردند. بهروز شعبانی در مقام دبیر جشنواره در دو نوبت کوتاه پشت تریبون قرار گرفت. یک بار صاحبان اصلی جشنواره تهران را «فیلمسازان کوتاه» دانست و بار دیگر یک وعده مهم را مطرح کرد: «سال آینده در فراخوان چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، تجدید نظر خواهیم کرد و جایزه بازیگری و طراحی صحنه به این رویداد سینمایی اضافه خواهد شد». این اتفاق یکی از مطالبات مهم سازندگان فیلم‌های کوتاه در دوره‌های اخیر بود که حالا به نظر می‌رسد از دوره آینده می‌توان در انتظار تحقق آن بود.

البته اگر بخوایم یک قدم به عقب برگردیم باید به پیدا کردن لوکیشن مراسم در ایران‌مال نیز اشاره کنیم که یافتن آن برای همه آسان نبود. عبور از دالان‌های هزارتوی ایران‌مال، معمایی نیست که تنها با ۵ روز برگزاری جشنواره بتوان از پس حل آن برآمد!

«خداحافظ اشغال» فیلم برگزیده مراسم اختتامیه بود که جایزه بهترین کارگردانی را برای بهمن و بهرام ارک و بهترین فیلم را برای مهدی بدرلو، تهیه‌کننده‌اش به یادگار گذاشت. جایزه بنیاد سینمایی فارابی به عنوان نهاد ملی سینما از سوی حامد جعفری (مدیرعامل) به هادی نوری برای ساخت فیلم تاییست اهدا شد. این جایزه مشارکت فارابی در توسعه ایده و ساخت فیلم بلند فیلمساز است.



دو گرایش فکری، یکی مترقی و دیگری محافظه‌کار در برابر هم بودند. «دولت‌آبادی در ادامه بخشی از متن ابراهیم گلستان را خواند سپس عنوان کرد: «زبان گلستان زبانی است متفکر، شفاف و سنجیده. او فهمیده بود که زبان سطحی کوچه و بازار، یا واژه‌های بی‌مایه و بی‌معنا، جایی در ادبیات ندارد. زبان باید حامل اندیشه باشد. گلستان در همه عرصه‌ها پیش‌رو بود. پادم هست وقتی ۲۰ ساله بودم، او نخستین کسی بود که چنین فعالیت فرهنگی‌ای را (مثل نشست امروز) سامان داد. از ما دعوت کرد تا در انتشارات روزن، شعرهای سهراب سپهری را برای جمعی از اهل ادب بخوانیم. ما سه نفر بودیم. در همان‌جا شعرهای سهراب را خواندیم و بحث کردیم. در عرصه سینما نیز گرچه فیلم‌های داستانی او را کمتر دیده‌ام اما در زمینه فیلم مستند بی‌تردید پیشگام بود. او نخستین کسی بود که فهمید، می‌تواند داشته‌های واقعی و بومی ایران را کشف، تصویر و معرفی کرد. همین اندیشه در فیلم‌های مستندش آشکار است. از میان آثارش، فیلم‌های «اسرار گنج در چنی» و «خشت و آینه» از نمونه‌های شاخص سینمای نوگرای ایران‌اند.» دولت‌آبادی در پایان تأکید کرد: زبان گلستان امتداد منطقی تثر بهیقی است؛ زبانی اصیل و اندیشمند که در عین پیوند با سنت کاملاً معاصر است.»

اشتباه بزرگ گلستان

در ادامه، لیلی گلستان، مترجم ادبی و دختر ابراهیم گلستان، گفت: «می‌خواهم بگویم چقدر تأسّف‌برانگیز است که بسیاری از هنرمندان ما از ایران رفتند. باور دارم که بیشترشان اشتباه کردند. هر کدام به دلایلی رفتند اما در نهایت، هیچ‌یک از آنان نتوانستند آن‌گونه که باید، کار خود را ادامه دهند یا اثری خلق کنند که در شأن هنرشان باشد. بسیاری از آن‌ها، اگرچه

اختلال و برای دقایقی مراسم با توقف مواجه شد. پس از چند دقیقه نور سالن بازگشت و کلیپ نیز از همان جایی که قطع شده بود، ادامه پیدا کرد. این اختلال در بخش ویدئو‌ها روی ویدئووال اصلی مراسم به بخش اعلام نامزدها هم رسید و جابه‌جایی یکی از آیت‌ها با کنایه فرزاد حسینی به‌عنوان مجری مراسم هم رویه‌رو شد. ناهماهنگی نور با رفت‌وآمد افراد روی صحنه نیز یکی دیگر از ضعف‌های این مراسم بود که کار عکاسان را برای ثبت لحظات طلایی مراسم بسیار دشوار کرده بود.

اما آنچه شب گذشته برای بزرگداشت آرش رصافی در اختتامیه جشنواره چهل‌ودوم رقم خورد، چیزی فراتر از یک بزرگداشت مرسوم بود. آرش رصافی از پیش‌کسوتانی است که سال‌ها بدون حاشیه و هیاهو، حضوری تعیین‌کننده در جریان سینمای کوتاه ایران داشته و انعکاس بخشی از همین تأثیر در شکوه مراسم بزرگداشتش عیان شد. بعد از بخش کلیپ درباره فعالیت‌های رصافی و تأثیر این مدیر و مدرس سینمایی؛ دربست در لحظه حضور او روی صحنه بود که برای دقایقی طولانی جماعت حاضر در سالن، ایستاده او را تشویق کردند و بدون هیچ وقفه‌ای تا لحظه تر شدن چشمان آرش رصافی به این تشویق‌ها ادامه دادند. واکنش فرزاد حسینی به این صحنه باشکوه و خطاب به اهالی سینمای کوتاه همین دو کلمه بود: «قربون معرفت‌تون».





رودخانه‌خواری!

دولت در مصوبه‌ای ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و سایر منابع آبی را مجاز دانست

گروه اجتماعی: در حالی که محیط‌زیست ایران با بحران‌های شدیدی چون تخریب جنگل‌ها، خشکیدن تالاب‌ها و کوه‌خواری دست به گریبان است، تصمیم تازه دولت برای مجاز دانستن ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و سایر منابع آبی، موجی از نگرانی و انتقاد را برانگیخته است. براساس مصوبه ابلاغی دولت، «ایجاد تأسیسات گردشگری در حریم رودخانه‌ها، سدها و منابع آبی بلامانع است»؛ مجوز بی‌سابقه‌ای که وزیر میراث فرهنگی و گردشگری آن را «راهگشایی برای جذب سرمایه‌گذار و توسعه گردشگری» توصیف کرده است. اما منتقدان می‌گویند این مصوبه چیزی جز چراغ سبزی برای تاراج طبیعت و قانونی کردن روند مخرب «رودخانه‌خواری» نیست. این تصمیم بلافاصله با واکنش منفی گسترده کارشناسان و فعالان محیط‌زیست و حتی مخالفت رسمی سازمان حفاظت محیط‌زیست مواجه شد. شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد که مصوبه اخیر با قوانین جاری کشور و اسناد بالادستی در تضاد است و این سازمان رسماً پیگیر لغو آن خواهد شد. او تأکید کرد که در فرآیند بررسی و تصویب این مصوبه، نظر کارشناسی و موافقت سازمان حفاظت محیط‌زیست اخذ نشده و مصوبه فعلی ناقض قوانین موجود است. انصاری تصریح کرد چنین تصمیمی به‌دلیل آثار ذاتی مخرب ساخت‌وساز در جوار منابع آبی نمی‌تواند بدون ارزیابی‌های محیط‌زیستی قابل پذیرش باشد و باید لغو گردد. حتی معاون محیط‌زیست دریایی سازمان، احمدرضا لا هیجان‌زاده که ابتدا لحن ملایم‌تری داشت و به قانونی بودن این مصوبه اشاره کرده بود اکنون با یادآوری قوانین صریح محیط‌زیستی می‌گوید، قانون‌گذار از دهه ۱۳۵۰ هرگونه تخریب و تجاوز به حریم تالاب‌ها، ساحل‌ها

و رودخانه‌ها را ممنوع کرده است. طبق قانون اراضی مستحدثت و ساحلی مصوب ۱۳۵۴ حریم منابع آبی قابل تملک خصوصی نیست و ساخت‌وساز در آن تنها در موارد تأسیسات ضروری دولتی و با تصویب هیات وزیران امکان‌پذیر است. همچنین بر اساس قانون حفاظت تالاب‌ها (۱۳۹۶) هرگونه تصرف در تالاب‌ها و حریم آنها ممنوع بوده و مستوجب مجازات است. از این‌رو سازمان محیط‌زیست تأکید دارد هیچ مصوبه دولتی نمی‌تواند ناقض این قوانین بالادستی باشد و مجوز اعلام شده فاقد مبنای قانونی است.

پشتوانه قانونی یا مجوز تخریب طبیعت؟

وزیر میراث فرهنگی و گردشگری در دفاع از این مصوبه به سابقه قانونی آن اشاره کرده و گفته است این تصمیم بر مبنای قانون برنامه ششم توسعه اتخاذ شده است. به گفته او در بند «ماده ۱۰۰» قانون برنامه ششم (مصوب شهریور ۱۳۹۹) وزارت نیرو موظف شده با هماهنگی وزارت میراث فرهنگی زمین‌های حاشیه سدها، رودخانه‌ها و منابع آبی را برای تأسیسات گردشگری واگذار کند. بر همین اساس در تیرماه امسال دولت به پیشنهاد وزارت نیرو و با همراهی وزارت میراث، آیین‌نامه‌ای را ابلاغ کرده که ایجاد زیرساخت‌های گردشگری در مجاورت منابع آبی را مجاز می‌شمارد. وزیر میراث فرهنگی تأکید کرده که «بدون تأیید محیط‌زیست هیچ مجوزی برای ایجاد تأسیسات سبک گردشگری در ساحل رودخانه‌ها، سدها، دریاچه‌ها و منابع آبی صادر نمی‌شود» و شرط اجرای طرح‌ها، رعایت کامل ملاحظات زیست‌محیطی و بهره‌گیری از سازه‌های سبک و کم‌خطر است. منتقدان اما این استدلال‌ها را قانع‌کننده نمی‌دانند. آنها

است؛ در حالی که تجاوز از جرایم عمومی است و با رضایت شاکی پایان نمی‌یابد.

حق دانستن یا نقض حیثیت؟ مرز باریک رسانه و عدالت

صالح نقردکار، حقوق‌دان نیز در گفت‌وگو با سازندگی به ۵ نکته درباره پرونده پژمان جمشیدی اشاره کرده و می‌گوید: اول اینکه افراد ممکن است از حیث وجاهت اجتماعی، سیاسی یا مالی در شرایط خاصی قرار گیرند و نگاه‌های بیشتری متوجه آنها باشد اما هیچ‌گاه جامعه، افکار عمومی و رسانه‌ها مجاز نیستند به بهانه جایگاه یا اعتبار اجتماعی افراد، حریم خصوصی آنها را مخدوش کنند. حریم خصوصی افراد باید مورد احترام و توجه قرار گیرد و نباید به دلیل جایگاه اجتماعی‌شان در معرض قضاوت عمومی یا اتهام‌زنی رسانه‌ای قرار گیرند. جامعه‌ای که حرمت شهروندان و حریم خصوصی آنان را پاس ندارد، دچار آسیب‌های جدی اخلاقی و اجتماعی خواهد شد. او ادامه می‌دهد: در چنین مواقعی، لازم است رسانه‌ها و شهروندان آموزش ببینند تا اصول اخلاقی و وجدانی را در برخورد با دیگران رعایت کنند. این احترام شامل همه افراد است؛ چه شخصیت‌های عمومی و چه افراد عادی. این یک حق مشترک شهروندی است و نباید از آن فاصله گرفت. نقردکار تأکید می‌کند: نکته دوم آن است که برخی اشخاص به‌دلیل موقعیت اجتماعی، فرهنگی یا هنری خود باید نسبت به رفتارهایشان مراقبت بیشتری داشته باشند زیرا فعل و ترک فعل آنان بازتاب گسترده‌ای در جامعه دارد. مردم ایران از نظر وجدانی و اخلاقی، ملتی هستند که برای هنجارهای انسانی و رفتارهای اخلاق‌مدارانه اهمیت فراوانی قائل‌اند. او با بیان اینکه نکته سوم به وظیفه حاکمیت بازمی‌گردد، اضافه می‌کند: هنگامی که اخباری مانند بمب خیری در جامعه منتشر می‌شود، افکار عمومی انتظار دارد نهادهای رسمی و مراجع عمومی واقعیت را شفاف بیان کنند. دستگاه‌های مسئول باید روند رسیدگی به چنین پرونده‌هایی را با دقت و سرعت انجام دهند تا زمینه‌ای برای گسترش شایعات، خلاف‌گویی و نشر اکاذیب فراهم نشود. بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جسان و مال همه شهروندان مصون از تعرض است و هیچ‌کس حق ندارد برای استیفای حق دانستن خود، به حیثیت دیگران لطمه بزند. بنابراین نهادهای نظارتی و قضایی باید در کوتاه‌تر ین زمان تصمیمات لازم را در تحقیقات مقدماتی اتخاذ کنند تا جامعه به آرامش برسد. نقره‌کار ادامه می‌دهد: موضوع چهارم آن است که جامعه امروز ایران از یک جامعه پنهان‌کار نسبت به مسائل اخلاقی، اقتصادی و سیاسی به جامعه‌ای در حال گذار بسوی شفافیت و

می‌رسند، وقتی سرمایه‌گذاران ذی‌نفع مجوز ساخت‌وساز در حریم رودخانه را گرفتند، چه تضمینی است که به سازه‌های سبک و محدود اکتفا کنند؟ تجربه نشان داده در دوگانه «توسعه گردشگری» یا حفاظت از بستر رودخانه، اغلب کفه توسعه سنگینی می‌کند و نظارت محیط‌زیستی نادیده گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد، افزودن قید مبهم «تأسیسات سبک» بیشتر برای آرام کردن افکار عمومی بوده است چراکه تبدیل شدن بناهای سبک به سازه‌های سنگین در عمل چندان دور از انتظار نیست. بسیاری از کارشناسان نیز یادآور شده‌اند که اتفاقاً مشکل اصلی، قانونی کردن یک روند مخرب است: ساخت‌وسازهایی که تا دیروز غیرقانونی بود اکنون با این مصوبه مشروعیت می‌یابد و تخریب حریم رودخانه‌ها تحت لوای «جذب سرمایه‌گذار» شتاب خواهد گرفت.

پیامدهای زیست‌محیطی و خطر تکرار فجایع

صاحب‌نظران محیط‌زیست، مصوبه جدید را «یکی از مخرب‌ترین تصمیمات دولت» می‌دانند که تحت عنوان فریبنده توسعه گردشگری پیش می‌رود. آنها هشدار می‌دهند، اجرای چنین طرح‌هایی پیامدهای جبران‌ناپذیری برای اکوسیستم‌های آبی کشور خواهد داشت. دکتر حسین آخانی، استاد دانشگاه تهران، با اشاره به تجربه تلخ سیلاب‌های گذشته می‌گوید، رودخانه موجودی زنده و پویاست و بستر آن مرتباً تغییر می‌کند؛ هرگونه ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ضمن برهم زدن مسیر طبیعی آب، خطر وقوع سیلاب‌های ویرانگری مانند سیل ۱۳۸۸ قم و سیل ۱۳۹۸ شیراز را افزایش می‌دهد. گزارش کمیته ملی سیلاب‌ها نیز صراحتاً یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید

گردش آزاد اطلاعات تبدیل شده است. این امر، از منظر حقوق مدرن، نشانه‌ای از رشد اجتماعی است. شهروندان خواهان اطلاع‌رسانی بدون سانسور و آگاهی از واقعیت‌ها هستند. با این حال، این حق نباید بهانه‌ای برای نقض حریم خصوصی افراد باشد. میان حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حفظ حریم خصوصی باید توازن برقرار شود؛ به‌گونه‌ای که آزادی رسانه‌ها در چارچوب قانون و اخلاق تضمین شود و سانسور فقط در مواردی اعمال گردد که قانون آن را جرم‌انگاری کرده، یا محتوای آن مروج نفرت‌پراکنی و رفتارهای ضد انسانی و ضد اخلاقی باشد. از این منظر، جامعه باید هم‌زمان هم از حق گردش آزاد اطلاعات برخوردار باشد و هم از صیانت از حیثیت شهروندان. این موازنه، ضامن سلامت اخلاقی و اجتماعی کشور است. او با اشاره به موضوع عدالت در بررسی این پرونده با توضیح پنجمین نکته خود می‌گوید: بر اساس اصول ۹۹ و ۲۰ قانون اساسی، همه شهروندان ایران در برابر قانون برابرند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. به موجب اصل ۱۵۶ نیز، قوه قضاییه قوای مستقل است که وظیفه آن پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، تحقق عدالت و نظارت بر حسن اجرای قوانین است. قوه قضاییه به هیچ وجه نباید تحت تأثیر فشارهای بیرونی، جنگ‌های روانی یا هرگونه مداخله ناروا در فرآیند قضایی قرار گیرد و موظف است تنها بر مبنای قانون و عدالت تصمیم‌گیری کند. تجربه نشان داده است که قضات در دستگاه قضایی کشور، با پایبندی به اصول درستی‌کاری، بی‌طرفی و امانت، نماد حیثیت ایرانی و شرافت انسانی هستند. او ادامه می‌دهد: مطابق اصل ۱۴ قانون اساسی، دولت و به‌ویژه قوه قضاییه موظف‌اند نسبت به همه شهروندان، اعم از اکثریت یا اقلیت، حتی کسانی که مخالف نظام یا مرتکب جرائم سنگین شده‌اند، رفتاری عادلانه و انسانی داشته باشند و هیچ حقی از آنان سلب یا نادیده گرفته نشود. رعایت آداب دادرسی عادلانه و استقلال قاضی در تمام مراحل رسیدگی از ضروریات بنیادین عدالت قضایی است. در همین راستا، انتظار جامعه و رسانه‌ها از قوه قضاییه آن است که همچنان بر اصول استقلال، بی‌طرفی و عدالت‌محوری پای بفشارد و اجازه ندهد که جریان‌های بیرونی یا فضای احساسی جامعه، روند تصمیم‌گیری قضایی را منحرف سازند. نقش رسانه‌ها نیز در این میان، مطالبه‌گری مسئولانه و نظارت اجتماعی است؛ نه در جهت اعمال فشار، بلکه برای اطمینان از آنکه تمامی امور قضایی در مسیر قانون، شایستگی و انصاف انجام می‌گیرد و حقوق همه شهروندان، بدون استثنا، حفظ می‌شود.

خسارات را ساخت‌وساز در اطراف رودخانه‌ها و مسیل‌ها معرفی کرده و بر جلوگیری از هرگونه تجاوز به حریم پیکره‌های آبی تأکید داشته است. منتقدان همچنین یادآوری می‌کنند که این نخستین‌بار نیست منافع کوتاه‌مدت توسعه بر ملاحظات محیط‌زیستی چیره می‌شود. چند سال پیش در جریان طرح حدنگاری و کاداستر، تلاش شد حتی برای رودخانه‌ها سند مالکیت رسمی به نام وزارت نیرو صادر شود که با مخالفت حقوق‌دانان و ایراد شورای نگهبان ناکام ماند. اکنون بیم آن می‌رود که مصوبه جدید، تلاشی برای دزدن همان مخالفت‌ها باشد و عملاً غرض‌های طبیعی و منابع مشترک بین‌نسلی را به نفع بهره‌داران خاص خصوصی‌سازی کند. این تناقض در رفتار دولت – که از یک سو شعار حفاظت محیط‌زیست می‌دهد و از سوی دیگر مصوبه‌ای در تضاد با آن تصویب می‌کند – باعث سرخوردگی بسیاری از حامیان محیط‌زیست شده است. حتی گفته می‌شود اگر چنین تصمیمی در دولتی با گرایش‌های متفاوت اتخاذ می‌شد، چه بسا با واکنش‌های رسانه‌ای شدیدتری مواجه می‌گردید. اکنون پرسش جامعه محیط‌زیستی از دولت این است که «گردشگری به چه قیمتی؟» آیا توسعه صنعت گردشگری باید به قیمت نابودی آخرین رودخانه‌ها و تالاب‌های کشور تمام شود؟

در شرایطی که بخش زیادی از زیست‌بوم‌های آبی ایران یا خشک شده‌اند یا در آستانه نابودی قرار دارند، تصویب این مصوبه به تعبیر منتقدان «تیشه به ریشه طبیعت» است، بحران آب بی‌سابقه در کشور ایجاب می‌کند که دولت نه‌تنها از چنین طرح‌های پریسکی اجتناب کند بلکه با تقویت قانون و نظارت از اندک سرمایه‌های آبی باقی‌مانده حفاظت نماید.

خبر

مسأله خشخاش

کشت کنترل‌شده خشخاش در ایران؛ میان نیاز دارویی و نگرانی قاچاق

ماجرای کشت خشخاش در ایران دوباره به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات حوزه سلامت و مبارزه با مواد مخدر تبدیل شده است. در حالی که سال‌هاست، کشت این گیاه در کشور ممنوع است، حالا صحبت‌هایی از بازنگری در سیاست‌ها و احتمال اجرای طرح‌های کنترل شده به میان آمده است. این مسأله، هم نگرانی‌هایی درباره نشست مواد به بازار قاچاق ایجاد کرده و هم امیدهایی برای خودکفایی در تولید داروهای حیاتی به همراه داشته است. عباسی، مدیرکل درمان سستان‌مبارزه با مواد مخدر در گفت‌وگو با ایسنا تأکید کرده که «داروهای مخدر فقط برای معتادان نیست». او توضیح داده است که حتی اگر هیچ فرد معتادی هم در کشور وجود نداشته باشد، بیماران بسیاری هستند که به داروهای مسکن قوی، مشتق از ترپاک، نیاز دارند. بیماران سرطانی، مبتلایان به دردهای مزمن و بیماران در بخش‌های مراقبت ویژه از جمله افرادی هستند که بدون این داروها، تحمل درد برایشان ممکن نیست. عباسی هشدار داده که نمی‌توان تأمین این داروهای حیاتی را تنها به واردات نامطمئن یا کشفیات ناپایدار مواد مخدر سپرد. او معتقد است اتکا به منابع خارجی، کشور را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد و هرگونه اختلال در واردات می‌تواند، بیماران را با بحران جدی روبرو کند. به گفته او، یکی از راهکارهای مورد بررسی، کشت کنترل شده و کاملاً نظارت شده خشخاش در داخل کشور است تا بتوان مواد اولیه دارویی را به شکل مطمئن و قانونی تأمین کرد. با این حال عباسی تأکید کرده که این طرح هنوز در مرحله بررسی است و «هیچ مصوبه رسمی برای آغاز کشت صادر نشده است». او گفت: «همه مراحل چنین طرحی باید به‌صورت کامل تحت نظارت و کنترل باشد تا حتی کوچک‌ترین نشست مواد به بازار قاچاق رخ ندهد». به گفته کارشناسان در صورت اجرای چنین طرحی باید از فناوری‌های نوین ردیابی، سامانه‌های شفاف نظارتی و کنترل زنجیره تولید تا مصرف استفاده شود تا از هرگونه سوءاستفاده احتمالی جلوگیری شود. در مجموع، بحث کشت کنترل شده خشخاش در ایران تلاشی است میان ضرورت درمان بیماران و نگرانی از افزایش قاچاق مواد مخدر. تصمیم نهایی درباره اجرای آن نیازمند بررسی دقیق ابعاد اجتماعی، اقتصادی و امنیتی است تا توازنی میان سلامت جامعه و کنترل مؤثر بر مواد مخدر برقرار شود.

ادامه تیتربک

متهم آزاد شد

پرسش‌های بی‌پاسخ پرونده جمشیدی

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار در این باره به «سازندگی» می‌گوید: نخستین خبر رسمی از سوی مرکز رسانه قوه قضاییه منتشر شد که بر اساس آن، جمشیدی به اتهامی سنگین بازداشت و به قرنطینه بند ۳ زندان قزل‌حصار منتقل شده است. با این حال، روایت‌های بعدی که در سایت‌های زرد و غیررسمی بازتاب یافتند فاقد منبع معتبر بودند و ماجرابی از ریایش و تجاوز خشونت‌بار را بدون هیچ استناد یا سندی بازگو می‌کردند.

او ادامه می‌دهد: در حرفه روزنامه‌نگاری، وقتی منبع خبر مشخص نباشد، اعتبار آن به شدت مورد تردید قرار می‌گیرد. انتشار چنین روایت‌هایی نه‌تنها غیراخلاقی است بلکه با اصول حرفه‌ای اطلاع‌رسانی در تضاد کامل قرار دارد. شخصیت‌های مشهور به دلیل نقش اجتماعی و فرهنگی خود از حریم خصوصی محدودی برخوردارند اما این محدودیت به معنای مجاز بودن انتشار هرگونه خبر بی‌اساس درباره آنان نیست. رسانه‌ها وظیفه دارند تنها اطلاعات موثق و مستند را منتشر کنند تا از تخریب حیثیت افراد و انحراف افکار عمومی جلوگیری شود.

به اعتقاد نوروزی؛ در روایت‌های غیررسمی این پرونده پرسش‌های متعددی از منظر جرم‌شناسی مطرح است. از جمله اینکه چرا شاکی در مسیر یا هنگام رسیدن به ساختمان اقدامی برای فرار نکرده است؟ چگونه از خودرو به آپارتمان منتقل شده و اگر با پای خود رفته، آیا می‌توان برداشت کرد که با رضایت همراه بوده است؟ اگر نیز به زور برده شده چرا هیچ صدای کمک‌ی از سوی او شنیده نشده است؟ افزون بر این با توجه به قدرت بدنی متهم که سابقه ورزش حرفه‌ای دارد، بستن دست و پای شاکی چه ضرورتی داشته است؟ او اضافه می‌کند: در پرونده‌های تجاوز، اثبات جرم همواره دشوار است. گذشت زمان می‌تواند، آثار جسمی را از بین ببرد و نبود شاهد نیز تشخیص وقوع تجاوز را پیچیده‌تر کند. با وجود این دشواری‌ها، هنوز مشخص نیست چه شواهد یا قرائنی موجب تفهیم اتهام و صدور قرار بازداشت شده است. از سوی دیگر، برخی گزارش‌ها ادعا کرده‌اند که پیش‌تر نیز شکایتی مشابه علیه جمشیدی مطرح سپس با پرداخت پول منخومه شده

